

یادداشت

فرصت ریاست ایران



سعید هاشمی

کارشناس مسائل بین الملل

به رغم مخالفت های ایالات متحده آمریکا، ریاست ایران بر مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از روز پنجشنبه (۲ نوامبر ۱۱ آبان) آغاز شد. رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل ۲۰ اردیبهشتماه سال جاری، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان رئیس این مجمع انتخاب کرده بود. مجمع اجتماعی شورایی است که جلسات آن به طور سالانه برگزار می شود و به موضوعی ویژه می پردازد. موضوع مباحثات امسال، «تقش علم، فناوری و نوآوری» در پیشبرد حقوق بشر خواهد بود. نشست مجمع اجتماعی روزهای دوم و سوم نوامبر در مقر سازمان ملل در ژنو به ریاست علی بحرینی، نماینده جمهوری اسلامی ایران، برگزار شد. انتخاب ایران به ریاست این مجمع، واکنش های تند آمریکا را به همراه داشت. تا آنجا که ودانت پاتل اردیبهشتماه گذشته در جمع خبرنگاران رسانه ها، در واکنش به انتخاب سفیر ایران در ژنو به عنوان رئیس دوره ای اجلاس مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر در سال ۲۰۲۳ مدعی شده بود: «معرفی ایران به عنوان رئیس بعدی گروه اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل نگران کننده است. معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا قبل تر اعلام کرده بود: آمریکا در سال ۲۰۱۵ با تشکیل این گروه مخالفت کرد و معتقد بود که این گروه کارایی محدود خواهد داشت. شورای حقوق بشر سازمان ملل، یکی از نهادهای سازمان ملل و از ارکان فرعی مجمع عمومی ملل متحد است که وظیفه آن نشان دادن موارد نقض حقوق بشر است. این شورا هم زمان با انحلال نهاد قبلی اش یعنی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل از سال ۲۰۰۶ ایجاد شده و زبان های رسمی آن انگلیسی و فرانسوی است. انتخاب و آغاز ریاست دوره ای ایران بر این مجمع اجتماعی و حقوق بشری با واکنش های مثبت و اعتراضات منفی بسیاری در خارج و داخل کشور همراه بوده است: این رویداد، حاکی از یک دستاورد بزرگ دیپلماتیک برای ایران است که شاید در ظاهر خیلی به چشم نیاید. این برآورد آن چنان هم دورهای نیست. اینچاپاید دو اتفاق مهم رخ بدهد. نخست، گروه های منطقه ای باید از آسیا و اروپا و... باید نامزد های خودشان را معرفی کنند که در این مرحله یک اتفاق نظیر رخ داده و تمام کشورهای آسیایی- عربی از جمله عربستانه معمولاً برای عضویت در نهادهای بین المللی با ایران در رقابت بودند، این بار تمام این رقابت ها را کنار گذاشتند و نام جمهوری اسلامی ایران را تنها معرفی کردند که این یک موفقیت بزرگ است که حاکی از توفیق دیپلماتیک ایران در صحنه روابط با کشورهای منطقه، پراومنی، چین، دیپلماسی برقراری روابط مجدد با عربستان و همچنین بهبود روابط با دیگر کشورهای منطقه است. اگرچه ایران و عربستان سابقه طولانی در رقابت در عضویت در نهادهای بین المللی از جمله اوپک و سازمان های وابسته به سازمان ملل داشته اند، این بار دیده می شود که این کشورها فقط ایران را به عنوان کاندیدا انتخاب کرده اند. دوم، رئیس فعلی مجمع مذکور اجباری نداشت که این کار را به گروه و نماینده بعدی بسپرد، با وجود اختیار برای انتخاب از گروه های منطقه ای دیگر، ولی باز هم از نماینده گروه آسیایی و ایران این کار انجام شد و بحرینی- نماینده ایران به عنوان رئیس دوره ای این مجمع اجتماعی انتخاب شد. این اتفاق در مقابل اقدامات دو سال اخیر آمریکا که با کمپین های مختلف در راستای تعلیق عضویت ایران از کمیسیون مقام زن در سازمان ملل تلاش می کرد، یک شکست برای آمریکایی ها محسوب می شود. این در حالی است که ایران اخیراً به کمیسیون پیشگیری از جرم سازمان ملل نیز انتخاب شده است. علاوه بر واکنش های و اعتراضات زیادی که از سوی مقامات غربی و خصوصاً آمریکایی ها و برخی ایرانیان ضد انقلاب در خارج از کشور در این ماجرا منعکس شده و حتی تا ارائه قطعنامه دیدبان سازمان ملل برای لغو ریاست ایران از مجمع اجتماعی پیش رفته؛ در عرصه داخلی نیز این موضوع توسط برخی چهره های منتقد مورد مناقشه قرار گرفت. اتفاق مهم و مرتبط دیگری با شورای حقوق بشر سازمان ملل، تلاش اخیر روسیه در جریان انتخابات مجمع عمومی این سازمان برای به دست آوردن مجدد کرسی شورای حقوق بشر بود که بی نتیجه ماند. آنچه به نظر می رسد؛ اینکه کشورهای همسویی چون ایران، روسیه و چین که همواره از سوی قدرت های غربی و خصوصاً آمریکایی ها به عنوان ناقض حقوق بشر معرفی می شوند و با استفاده از ابزارهای مدیریتی نرم در مجامع بین المللی- سازمان ملل متحد، مورد حمله و تحریم های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و... قرار می گیرند، استفاده از ظرفیت و زمینه حضور و فعالیت در شوراها و مجامع تاثیر گذار سازمان های بین المللی می تواند از اهم موارد در بحث مدیریت برخورد منطقی و اثر بخش در مواجهه با اقدامات دولت های غربی، از سوی کشورهای مشترک المنافع همچون ایران، روسیه و چین باشد!

خبر

سیدمحمد حسینی مطرح کرد:

مقدمه تحقق شعار جهان عاری از سلطه آمریکا

معاون پارلمانی رئیس جمهور در همایش بین المللی جهان عاری از سلطه آمریکا و صهیونیسم که با همت مجمع بین المللی اساتید مسلمان دانشگاهها در دانشگاه تهران برگزار شد با بیان اینکه امروز افکار عمومی جهان از شدت جنایات های رژیم صهیونیستی جریحه دار شده و احساسات و عواطف و وجدان های بشری از کشتار زنان و کودکان معصوم و بی پناه به درد آمده است، اظهار داشت: امروز مردم جهان بهتر می توانند ذات و ماهیت خشن و استکباری آمریکا را درک کنند و استاید با حضور فعال در عرصه اطلاع رسانی و ارائه تحلیل های واقعی می توانند شناخت واقعی و عمیقی از نظام ناعادلانه جهان و یکه تازی های آمریکا و استانداردهای دو گانه غرب در خصوص حقوق بشر فراهم کنند و این معرفت می تواند مقدمه تحقق شعار جهان عاری از سلطه آمریکا باشد. سیدمحمد حسینی با اشاره به تظاهرات گسترده مردم در محکومیت جنایات صهیونیست ها گفت: اندیشمندان و نخبگان فراوانی در این اعتراضات شرکت می کنند با موضوع گیری می کنند که با شناسایی و استفاده از نظرات آنان می توان، مقابل بی عدالتی در عرصه جهانی ایستادگی کرد، امروز جمعیت های انبوه در سراسر جهان به ویژه کشورهای غربی علی رغم اینکه دولت هایشان مجازات سنگینی برای حضور در راهپیمایی حمایت از فلسطین و نفرت از صهیونیست ها تعیین کرده اند، به خیابان ها آمده و از حقوق مردم مظلوم فلسطین دفاع می کنند و این یک تحول و فرصت مناسبی برای ایجاد جبهه واحد علیه نظام سلطه است.

حسن بهشتی پور در گفت و گو با «آرمان ملی»:

سخنان سید حسن نصر... بازدارنده بود نه جنگ طلبانه

دم خروس شعارهای حقوق بشری

آمریکا بیرون زده است

راهبرد و تاکتیک جدید

سید حسن نصر...



شعله ور شدن جنگ در منطقه

نه به سود ایران است نه آمریکا



عده ای معتقد به جنگ

آخر الزمانی هستند

منطقی بر اساس واقعیت های موجود است. به نظر، یک تحلیل درست مبتنی بر واقعیت های موجود می تواند در نهایت منجر به یک تصمیم درست در این مسأله شود. «جملات ذکر شده اظهارات حسن بهشتی پور، تحلیلگر روابط بین الملل در گفت و گو با «آرمان ملی» است. بهشتی پور در این گفت و گو به تحلیل و بررسی مهم ترین اتفاقات پیرامون جنگ غزه در روزهای اخیر پرداخته که در ادامه حاصل آن را می خوانید.

آرمان ملی - احسان انصاری: «افزایش تنش ها میان تهران و واشنگتن فقط یک برنده دارد و آن هم اسرائیل است. اسرائیل مدت ها است که در تلاش است تا جنگی میان ایران و آمریکا در بگیرد چرا که منافع اسرائیل با آتش این جنگ بهتر تأمین خواهد شد. این جنگ نه به نفع آمریکاست و نه به نفع ایران. هر نوع درگیری میان ایران و آمریکا می تواند منطقه را نیز به آتش بکشد. مشکل پیچیده تر از این حرف هاست. راه حل نهایی به نظر من، اتخاذ سیاستی

صهیونیست هاست. صهیونیست ها تا به امروز نشان داده اند که هیچ وجه مذاکره را نمی پذیرند و قائل به پذیرش هویت فلسطینی نیستند و در سرزمین های کرانه باختری بیش از ۷۰۰ هزار نفر شهرک نشین را اسکان داده و این شهرک ها را به نحوی ایجاد کرده اند که در عمل ارتباطات داخلی کرانه باختری را از بین برده اند تا هیچ گاه ایده تشکیل دو دولت مدنظر آمریکا برای عملی نشود. بر این مبنا حماس یک فکر و اندیشه برای مبارزه با توسعه طلبی رژیم می است که اصلاً حاضر نیست ماهیت فلسطینی و زندگی مسالمت آمیز مسلمانان، مسیحیان و یهودیان را در کنار هم بپذیرد. حال ولو اینکه اسرائیل موفق شود حماس را سرکوب کند اما باز هم این فکر و ایده در بین جوانان حامی حماس رشد کرده و در زمان دیگری سر باز می زند، لذا سناریوی وزیر جنگ رژیم صهیونیستی که اسرائیل می ماند یا حماس، یک گزاره تخیلی است و واقعیت های روی زمین بیانگر آن است که حماس ادامه پیدا می کند و باید در جست و جوی راه حلی بود که حق و حقوق فلسطینی ها تأمین شده و آنها به منزله یک ملت، دولت و کشور به رسمیت شناخته شوند.

ایده تشکیل دو دولت به چه میزان به واقعیت نزدیک است؟

ایده تشکیل دو دولت شاید در ظاهر از نظر انسانی ایده خوبی به نظر برسد اما در واقعیت شرایط به گونه ای است که در وضعیت فعلی ابتدا باید یک آتش بس برقرار و کمیته ای برای رسیدگی به جنایات جنگی تشکیل شود، دوم نتایج و دار و دسته جنایتکارش کنار بروند، سوم اینکه یک دولت بی طرف برای برگزاری همه پرسی زیر نظر مجامع بین المللی تشکیل شود تا در مرحله چهارم مردم فلسطین اعم از مسلمانان، یهودیان و مسیحیان در این همه پرسی شرکت کرده و نظام سیاسی آینده و نحوه اداره این سرزمین را معین کنند؛ بر این مبنا تشکیل دو دولت فعلاً امکان پذیر نیست. نکته دیگر اینکه آمریکا در این تحولات با یک تناقض در سیاست خارجی روبه رو شد یک طرف این ماجرا مربوط به اسرائیل به منزله متحد اسراترژیک آمریکا در منطقه است که دو طرف از نظر نظامی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی وابستگی زیادی به هم دارند و لذا باید حامی این متحد خود باشد. از طرف دیگر نیز آمریکا شاهد جنایت و نسل کشی آشکار این متحد خود است که به واسطه تعدد رسانه ها و شبکه های اجتماعی نمی تواند آن را انکار کند، به نوعی که حتی در داخل آمریکا هزاران نفر در مرکز نیویورک به منزله یک منطقه یهودی نشین علیه اسرائیل تظاهرات برگزار می کنند و اینجاست که دم خروس شعارهای حقوق بشری آمریکا بیرون می زند. لذا دولت بایدن برای حفظ وجهه حقوق بشری خود خطاب به طرف اسرائیلی اعلام می کند که جنگ هم قواعد و مقررات خودش را دارد.

تحلیل شما از مواضع اخیر مقامات ایران در این زمینه چیست؟

واقعیت این است که افزایش تنش ها میان تهران و واشنگتن فقط یک برنده دارد و آن هم اسرائیل است. اسرائیل مدت هاست که در تلاش است تا جنگی میان ایران و آمریکا در بگیرد چرا که منافع اسرائیل با آتش این جنگ بهتر تأمین خواهد شد. این جنگ نه به نفع آمریکاست و نه به نفع ایران. هر نوع درگیری میان ایران و آمریکا می تواند منطقه را نیز به آتش بکشد. مشکل پیچیده تر از این حرف هاست. ما باید به سمت اصلاح نگرش مان در عرصه روابط خارجی حرکت کنیم. راه حل نهایی به نظر من، اتخاذ سیاستی منطقی بر اساس واقعیت های موجود است. به نظر، یک تحلیل درست مبتنی بر واقعیت های موجود می تواند در نهایت منجر به یک تصمیم درست در این مسأله شود.

افزایش تنش ها میان تهران و واشنگتن فقط یک برنده دارد و آن هم اسرائیل است. اسرائیل مدت ها است که در تلاش است تا جنگی میان ایران و آمریکا در بگیرد، چرا که منافع اسرائیل با آتش این جنگ بهتر تأمین خواهد شد. این جنگ نه به نفع ایران و نه به نفع آمریکا است. مشکل پیچیده تر از این حرف هاست. راه حل نهایی به نظر من، اتخاذ سیاستی

قول دبیرکل سازمان ملل این اقدامات در خلأ اتفاق نیفتاده بلکه ناشی از عملکردهایی بوده که در گذشته اسرائیل انجام داده است. در مجموع آن طور که برداشت می شد ممکن است سید حسن نصر... در این سخنرانی اعلام جنگ کند، نبود در عکس با یک موضع منطقی و مسئولانه، هشدارهای لازم را به صهیونیست ها و آمریکایی ها بدهد تا آنها را به تجدیدنظر در ادامه جنایات وادار کند. سخنانی که کاملاً از موضع قدرت بود و با روحیه شهادت طلبی نشان داد که اصلاً مسأله تهدید ناوها یا گسترش جنگ به سایر مناطق مهم نیست.

با توجه به شرایط موجود چه سناریوهای پیش روی جنگ حماس و اسرائیل است؟

غزه یک هویت فلسطینی است و تنها یک منطقه جغرافیایی در فلسطین نیست که در این هفته ها به یک نماد و پرچم برای مقابله با زیاده طلبی و نسل کشی رژیم صهیونیستی شده و به وضوح چهره حقیقی اسرائیل را آشکار کرده است.

صهیونیست ها تا قبل از این همواره تلاش می کردند سیاست ابهام را در کشتار مردم فلسطین در پیش بگیرند اما در این جنگ به طور علنی مردم عادی را به جرم همکاری با حماس می کشند در حالی که بسیاری از شهدا، کودکان، نوجوانان، زنان و پیران هستند و خسارات زیادی به بیمارستان ها، مدارس و مراکز عمومی وارد کرده اند. لذا در عمل نمی توان حماس را از مردم غزه جدا کرد و از طرف دیگر نیز نمی توان حماس را از بین برد زیرا حماس تنها یک نام و عنوان نیست بلکه یک فکر و ایده بر محور مقابله با زورگویی

محور اصلی صحبت های حسن نصر... بحث بازدارندگی در برابر جنگ طلبی اسرائیل بود. چون فضا سازی بیشتر به این سمت رفته بود که حسن نصر... در سخنرانی خود احتمالاً یک دور جدیدی از جهاد علیه صهیونیست ها را با توجه به عملیات زمینی که صهیونیست ها شروع کرده اند، اعلام خواهد کرد ولی دیدیم که در این سخنرانی از موضع قدرت، بحث بازدارندگی بیشتر مطرح شد هر چند کلمه بازدارندگی در این سخنرانی بیان نشد ولی برداشتم از کلیات سخنرانی، اعلام سیاست بازدارندگی در برابر جنگ طلبی صهیونیست ها بود

نگره

نسل کشی در غزه و ته کشیدن

انسانیت غربی ها

آنچه در نتیجه حملات ارتش اسرائیل علیه منطقه غزه رخ می دهد به دور از همه بحث و جدل ها، همه اظهار نظر ها و موضع گیری ها، یک آدم کشی تمام عیار است. زنان و مردان، کودکان و کهنسالان، بیماران و بینوایان، آوارگان و دردمندان همه تک به تک گزینیه های قتالی ارتش اسرائیل شده اند. انتخاب را به عهده موشک ها و بمب ها گذاشته اند تا خود از جمعیت میلیونی، انتخاب کنند. نوزاد چند روزه یا نوجوان ۱۵ ساله، پیر یا جوان، زن یا مرد، فقیر یا غنی، بی سق یا سق دار... فرقی نمی کند... همه انسان اند و کشتن آنان می توان به عدد نهایی افزود. در روز ۳۰ جنگ علیه غزه جدید ترین آمار کشته های غزه ۹ هزار و ۷۷۰ نفر اعلام شد. احتمالاً به وقت انتشار و مطالعه، این عدد به ۱۰ هزار نزدیک و نزدیک تر می شود و چه بسا عبور کرده باشد... حتی اگر این عدد انسان های امیدواری باشند که روزی، تصورات و تخیلات بزرگی داشتند... نه مانند امروز که تصور و امید همه به زنده ماندن است. امید به زنده ماندن در یک ساعت دیگر، یک روز دیگر، شب و روزی دیگر... شب که می خوابیم آیا صبح را خواهیم دید؟ یا زیر خوراک خوراک آوار، به پایان می رسیم؟ نه جایی برای فرار هست نه پناهگاهی، پناه است. مناطقی که ارتش اسرائیل قبلاً آنها را امن اعلام کرده بود هم بمباران می شوند و قربانی می دهند. هیچ جای امنی وجود ندارد. نه مراکز سازمان ملل و نه مدارس و نه بیمارستان ها هیچ کدام از صف کشتار خارج نیستند. نه امدادگران و نه پرستاران، نه خبرنگاران و نه دانش آموزان هیچ کس مستثنی نیست... همه در صف کشتارند. کدام یک زودتر؟ کدام یک دیرتر؟ فرقی ندارد... مهم عددی است که بالا و بالاتر می رود حتی اگر به هزینه قتل کودکان و زنان باشد. حتی اگر به هزینه بمباران ثانوی باشد تا نان در خون به تصویر در آید. حتی اگر به هزینه بمباران آمبولانس باشد تا بیماران و بهیار هر دو قربانی شوند. حتی اگر به هزینه بمباران مدرسه و اردوگاه باشد تا کودک هنگام بازی، ناگهان به خواب عمیق فرو برود. حتی اگر به هزینه بمباران خیابان باشد تا پدری، فرزند به بغل، فریاد بکشد. حتی اگر به هزینه بمباران خانه باشد تا مادری، نوزاد به دست، جیب بزند. آدم کشی در غزه کی تمام می شود؟ پاسخ خواهند داد تا همه ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر ساکن غزه از بین بروند... تا سرزمین غزه خالی از اهالی اش شود و آن گاه سرزمین خالی از ملت، در اختیار اشغالگر قرار بگیرد... چیزی مثل همه اتفاقاتی که اشغالگران در همه ۸۰ سال اخیر در سرزمین تاریخی فلسطین رقم زدند... بعد از هر جنگ و کشتاری، هر نام و نشان اسلامی فلسطینی را زدودند و پاره پاره کردند. صهیونیستی را جایگزین کردند... اشغالگران ورودی از سراسر جهان را در شهرها و محله ها و سرزمین های اسکان دادند که اهالی آنها قبلاً یا قتل عام شدند یا برای فرار از کشتار، آواره گشتند. حالا علاوه بر آوارگان داخلی، ۶ میلیون آواره مهاجر فلسطینی در کشورهای مختلف جهان، کلید به دست، نظاره گر خانه و خیابان های خود هستند که امروز محل رفت و آمد اسرائیلی هاست. آنها چنین آینده ای نیز برای غزه می خواهند.